

## ایمان ثابت و ایمان عاریتی

حجت الاسلام والمسلمین محسن اصغری\*

### اشاره

در رجوع به برخی از آیات قرآن و منابع روایی، تعبیری چون «تبدل ایمان به کفر»، «ایمان ثابت»، «ایمان مستودع» و «زوال ایمان» مشاهده می‌شود. در منابع روایی نیز به دو نوع ایمان، یعنی «ایمان مستقر» و «ایمان مستودع»، اشاره شده است. بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد برخی از مؤمنان با سیری قهقرایی، از ایمان بازگشتند و به ورطه کفر سقوط کردند. عده‌ای از اصحاب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، ابتدا در زمره مؤمنان قرار داشتند و به آنها ایمان آوردند، اما در ادامه از مسیر خود بازماندند و به کفر روی آوردند. با توجه به اهمیت این بحث و جایگاه ایمان در رستگاری انسان، در این نوشتار به بررسی انواع ایمان پرداخته می‌شود.

### الف) معناشناسی ایمان

ایمان در اصطلاح علوم دینی، به معنای تصدیق قلبی به وجود خداوند، نبوت، معاد و دیگر اصول ایمانی است. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ حقیقت ایمان را علمی می‌دانند که به مرتبه قلب و وجدان رسیده و همراه با اطمینان، انقیاد و خضوع باشد.<sup>۱</sup> ایمان در اصطلاح نیز به معنای تصدیق قلبی و همراه با اقرار لسانی و اظهار زبانی است. در آیات بسیاری به صراحت بیان شده است که ایمان امری قلبی و جایگاه آن قلب است: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ»<sup>۲</sup> آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دل‌هایشان نوشته است. همچنین در قرآن بیان شده است: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ

\* مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و دانش‌پژوه سطح ۴ مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۸.

۲. مجادله: ۲۲.

إِيْنِكُمُ الْإِيْمَانُ وَ زَيْنَةُ فِي قُلُوبِكُمْ»<sup>۱</sup>. این آیه به یکی دیگر از مواهب بزرگ الهی به مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «لکن خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده است»<sup>۲</sup>.

## ب) مراتب ایمان

مراتب ایمان را می‌توان به چند دسته اصلی تقسیم کرد:

ایمان به دل: این مرحله شامل اعتقاد و باور قلبی به اصول و ارکان ایمان است. فرد باید با قلب خود به وجود خدا، پیامبران، کتاب‌های آسمانی، فرشتگان، روز قیامت و قضا و قدر ایمان بیاورد.

گفتار زبان: ایمان در این مرحله باید به زبان آورده شود. اظهار ایمان و شهادتین (شهادت به یگانگی خدا و پیامبری محمد ﷺ) از جمله این مراحل هستند.

عمل: ایمان فقط به باور و گفتار محدود نمی‌شود، بلکه باید در اعمال فرد نیز تجلی یابد. انجام واجبات دینی مانند نماز، روزه، زکات و دیگر عبادات نشان‌دهنده ایمان عملی فرد است. بنابراین مفهوم ایمان، مفهومی تشکیکی و دارای مراتب است. بیشتر مؤمنان در مراتب ابتدایی ایمان قرار دارند، بعضی در میانه راه و شمار اندکی به مراتب عالی آن دست می‌یابند. می‌توان گفت ایمان وقتی به مرحله یقین برسد، زوال آن ممکن نیست؛ ولی این نوع از ایمان نادر است.

ایمان در برخی از آیات با واژه‌هایی چون درجات و زیادی آمده است که نشان‌دهنده درجات و مراتب ایمان است و اینکه می‌تواند افزایش و کاهش یابد؛ از جمله خداوند متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»<sup>۳</sup> یا «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَزَادُتُهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ»<sup>۴</sup> [به آنها بگو:] اما کسانی که ایمان آورده‌اند، بر ایمانشان افزوده و آنها [به فضل و رحمت الهی] خوشحال‌اند». همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

۱. حجرات: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۵۹.

۳. انفال: ۴: «[آری] مؤمنان حقیقی آنها هستند؛ برای آنان درجاتی [مهم] نزد پروردگارشان است». ر.ک به: فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۷۹۹.

۴. توبه: ۱۲۴؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۹.

قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَيَزِدَّاؤُوا إِيمَانًا»<sup>۱</sup> و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا»<sup>۲</sup>.

در قرآن به دسته‌ای دیگر برمی‌خوریم که ممکن است کسی ایمانش از بین برود و به حال شک و تردید بلکه انکار برگردد؛ مانند ایمان بیمار دلان که خدای تعالی آنها را در شمار مؤمنان می‌آورد و همراه با منافقان می‌داند و در زمره منافقان نیاورده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ؛ کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند، باز هم ایمان آوردند و دیگر بار کافر شدند». آیات بسیاری که متعرض کفر بعد از ایمان شده‌اند، وجود چنین مرتبه‌ای از ایمان را ممکن می‌دانند؛ پس مانعی ندارد که اعتقاد و باور تا زمانی که به مرتبه اوج نرسیده است، از قلب زایل شود. البته ایمان مستقر و اعتقاد راسخ، ممکن نیست از بین برود و خداوند هم می‌فرماید: «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي»<sup>۳</sup>.

### ج) گونه‌های ایمان

بر اساس آیات و روایات اسلامی، ایمان به دو گونه مستقر و مستودع تقسیم می‌شود.

#### ۱. ایمان مستقر

ایمان مستقر یعنی ایمان در قلب به گونه‌ای جایگزین شود که در مراحل سختی‌ها از بین نرود؛ اما ایمان مستودع با کمترین سختی و ترسی از بین می‌رود و انسان فراموشی می‌گیرد.<sup>۴</sup> برخی از آیات بر مرتبه بالایی از ایمان دلالت می‌کند که بر مؤمنان حقیقی ثابت است؛ این مرتبه از ایمان، ثابت است و با شک و شبهه متزلزل نمی‌شود؛ همچنین این نوع از ایمان بر قلب‌های مؤمنان نوشته شده است و گرفتار شبهه و ارتیاب نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزِنُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ»<sup>۵</sup> مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز

۱. فتح: ۴.

۲. انفال: ۲.

۳. نسا: ۳۷؛ ر. ک به: محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۵، ص ۴۱۵.

۴. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۴۹.

۵. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۱۰۸-۱۴۷.

۶. حجرات: ۱۳؛ ر. ک به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۲۱۲.

شک و تردیدی به خود راه نمی دهند و با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کرده اند؛ آنها راستگویان اند». مؤمنان راستین برای ثبات ایمان این گونه دعا می کنند: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»<sup>۱</sup> پروردگارا، دل هایمان را بعد از آنکه ما را هدایت کردی، [از راه حق] منحرف مگردان؛ و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش؛ زیرا تو بخشنده ای». در آیه ای دیگر نیز می خوانیم: «كُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ»<sup>۲</sup> ای ثبت فی قلوبهم الإیمان بما فعل بهم من الألفاف فصار كالمكتوب»<sup>۳</sup>.

### نمونه هایی از ایمان ثابت

انسان های مؤمن در برابر تردید و شبهه مقاوم هستند و در تمام شرایط استوار و ثابت قدم مانده اند؛ برای مثال در عصر امام خمینی علیه السلام و همچنین شهیدان سلیمانی و سید نصرالله، نمونه های بارزی از ایمان های ثابت وجود دارد. این موضوع تنها به زمان معاصر محدود نمی شود و در زمان های دیگر نیز افرادی با ایمان و استقامت مشابه وجود داشته اند.

### الف) آسیه همسر فرعون

آسیه همسر فرعون در دشوارترین شرایط، ایمان خویش را با قوت و استحکام حفظ کرد. بر اساس گزارش های تاریخی، زمانی که فرعون دستور داد آسیه را بر زمین بخوابانند و هر یک از دست ها و پاهایش را با میخ های بزرگ به زمین بکوبند، او همچنان به ایمان خود پایبند بود. فرعون همچنین سنگ بزرگی را بر سینه او گذاشت. در این لحظه بحرانی، حضرت موسی علیه السلام این صحنه دردناک را مشاهده کرد. آسیه علیه السلام از آن حضرت استمداد کرد و با قلبی سرشار از ایمان و وثوق، از جنایت های فرعون شکایت کرد. موسی علیه السلام پس از شنیدن ناله ها و دعای آسیه، برای او دعا کرد.<sup>۴</sup>

### ب) رشادت نافع بن هلال

نافع بن هلال جملی یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام در کربلا است. امام حسین علیه السلام در شب

۱. آل عمران: ۸؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰.

۲. مجادله: ۲۲؛ ر.ک به: سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۹۶.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۸۳.

۴. علی اکبر بابازاده، سیمای زنان در قرآن، ص ۱۱۱-۱۱۲.

عاشورا به او فرمود که برود، اما نافع گفت: «نمی‌روم، من شمشیری که به دست دارم، باید با خون دشمنان سیراب کنم». امام با دیدن وفای او، دعا کرد و روز عاشورا با اذن امام به میدان رفت. نافع دوازده تیر داشت که نامش را بر چوبه تیرها نوشته بود؛ به همین دلیل تیرهایی که پرتاب می‌کرد، همگی نشان‌دار بودند و او با آنها دوازده تن از یاران عمر سعد را به هلاکت رساند. او در میدان کارزار این‌گونه رجز می‌خواند: «أَنَا الْغُلَامُ الْيَمِينِي الْبَجَلِي دِينِي عَلِي دِينِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ؛ من غلام یمنی و بجلی هستم. دین من، همان دین حسین بن علی علیه السلام است». او با شمشیر به دشمن حمله کرد و سرانجام بدنش زخمی شد و هر دو بازوانش شکست. عمر سعد به او گفت: «او را نکشید و نزد من بیاورید». پس از آوردن نافع، او به عمر سعد گفت: «خدا می‌داند که چه می‌کردم. به خدا قسم، غیر از آنهایی که مجروح کردم، دوازده نفر را با تیر خود کشتم و با شمشیر نمی‌دانم چند نفر را زدم. اگر بازوانم نمی‌شکست، نمی‌توانستید مرا اسیر کنید». عمر سعد به شمر دستور داد که او را بکشد. وقتی شمر شمشیرش را بلند کرد تا نافع را بکشد، نافع این جمله را بر زبان آورد: «فالحمد لله الذي جعل منايانا على يدي شرار خلقه؛<sup>۱</sup> سپاس خداوندی را که آرزوی ما [شهادت] را بر دست بدترین مخلوقش قرار داده است». شمر با شنیدن این کلام، عصبانیتش بیشتر شد و او را به شهادت رساند.

## ۲. ایمان مستودع

آیات بسیاری از قرآن ناظر به ایمان عاریتی است و با واژه‌های «بعد الایمان» و «ثم كفروا» بیان شده‌اند. در تفسیر آیه «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ»<sup>۲</sup> این‌گونه آمده است: «مستقر، به معنای کسی است که ایمان در قلب او ثبات پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که هرگز از آن کنده نشده و زایل نمی‌شود. و مستودع، به معنای کسی است که ایمان به عنوان امانت به او سپرده می‌شود و بعد از مدتی از او گرفته می‌شود».<sup>۳</sup> در تفسیر علی بن ابراهیم، از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است: «مستقر، ایمانی است که در دل آدمی ثابت هست تا آنکه بمیرد. و مستودع، کسی است که ایمان از او ربوده شده است».<sup>۴</sup>

۱. ابومخنف کوفی لوط بن یحیی، وقعة الطف، ص ۲۳۴.

۲. انعام: ۹۸.

۳. فیض کاشانی، الأصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۶.

۴. محمدعلی بن محمدحسن الاردکانی، تحفة الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، ج ۴، ص ۱۹۹.

## نمونه‌هایی از ایمان عاریتی

### الف) زبیر بن عوام

زبیر پسر عمه رسول خدا ﷺ بود و از افراد شجاع و دلیر به شمار می‌رفت. او در راه اسلام بسیار کوشید و از رسول اکرم ﷺ دفاع کرد. در روز سقیفه بنی ساعده که همه از نزد علی ﷺ کنار رفتند، او با معدودی از یاران علی ﷺ از حق او دفاع کرد. زبیر در حالی که پانزده سال از عمرش گذشته بود، مسلمان شد و در همه جنگ‌های رسول خدا شرکت کرد. گویا نخستین شمشیری که در راه خدا به کار رفت، شمشیر زبیر بود. رسول خدا ﷺ بر او درود فرستاد و درباره‌اش دعا کرد. او با امام علی ﷺ بیعت کرد، ولی بعدها به دلیل نقض عهد با آن حضرت، به طرف بصره رفت و در آنجا جنگی به راه انداخت.

### ب) ابوالخطاب

محمد بن مقلاص اسدی کوفی از اصحاب حضرت امام صادق ﷺ و از بزرگان بود؛ اما مسیرش را تغییر داد و مذاهب باطلی ایجاد کرد. امام صادق ﷺ او را لعن کرد و از او بیزاری جست. روایات زیادی در مذمت او رسیده است که دلالت بر کفر و لعن او می‌کند و نقل شده است که درباره حضرت صادق ﷺ غلو کرد؛ به اندازه‌ای که آن حضرت را خدا می‌خواند.<sup>۱</sup>

## راه‌های کسب ایمان ثابت

برای اینکه انسان ایمانی ثابت داشته باشد، باید به لوازم ایمان خود پایبند باشد. تفکر در آیات الهی، اقامه نماز و انجام امور شرعی، تلاوت قرآن کریم، دعا و راز و نیاز با حضرت حق، عشق و محبت به خاندان رسول گرامی اسلام، مطالعه در معارف دینی به ویژه تفسیر و علوم اعتقادی و اخلاقی و ... اموری هستند که سبب کامل تر شدن ایمان انسان می‌شوند تا در پایان عمر با قلبی پر از نور ایمان، دنیا را ترک کند.

۱. ابواسحق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ص ۳۸۸.

### کتاب‌نامه

۱. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعة الطف، مصحح: محمدهادی یوسفی غروی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۲. احمدزاده، مصطفی، چستی ایمان در قرآن کریم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
۳. الاردکانی، محمدعلی بن محمدحسن، تحفة الأولیاء (ترجمه أصول کافی)، [بی‌جا]: [بی‌نا]، [بی‌تا].
۴. بابازاده، علی‌اکبر، سیمای زنان در قرآن، تهران: سپهر، ۱۳۸۱ ش.
۵. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۸۳ ش.
۶. خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۷. \_\_\_\_\_، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۸. رضوی طوسی، سیدمجتبی، ایمان در قرآن کریم: مفهوم و گونه‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، چ ۵، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چ ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چ ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی - الأصول و الروضة چ ۱، تهران: المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۲ ق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ش.
۲۰. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، قم: الهادی، ۱۴۰۵ ق.